

زیارت قبر از دیدگاه قرآن

تألیف

دکتر / طه حامد الدلیمی

ترجمه و نگارش

محمد عبداللطیف انصاری

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

مقدمه مترجم.....	۳
مقدمه مؤلف.....	۶
مقام و منزلت زیارت قبور در نزد شیعه.....	۸
مقام و منزلت کربلاء و نجف و قبور ائمه.....	۹
ادعای بزرگ ولیکن بدون دلیل!.....	۱۲
حج و مکه مکرمه و مساجد در قرآن کریم.....	۱۳
حج در قرآن کریم:.....	۱۳
مکه مکرمه «بلد الامین» در قرآن کریم:.....	۱۸
بیت الله و مسجد الحرام در قرآن کریم:.....	۱۹
نماز و مسجد در قرآن کریم:.....	۲۲
نه قبری و نه زیارتگاهی در قرآن!.....	۲۵
پیروی از متشابه.....	۲۶
احکام زیارت در کجای قرآن است؟.....	۳۰
وسیله و بهانه حب اهل بیت (ع).....	۳۱
نفس پرستی (خود پرستی).....	۳۴
بدعتی جدید.....	۳۷
زیارت شرعی و زیارت غیر شرعی.....	۴۰
منابع.....	۴۷

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه مترجم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ. أَمَّا بَعْدُ:

الله ﷻ قرآن کریم را کتاب هدایت و قانون زندگی و جدا کننده حق از باطل فرستاد:

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾ [الإسراء: ۹]

«این قرآن به راهی هدایت می‌کند که مستقیم‌ترین راه‌ها است».

و همچنین آنرا هدایتی برای پرهیزکاران فرستاد:

﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [البقرة: ۲]

«برای پرهیزگاران رهنماست»

و رسول الله ﷺ را اسوه والگوی بشریت قرار داد:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ [الأحزاب: ۲۱]

«به راستی برای شما، در رسول الله الگو و سرمشقی نیکوست».

ایشان ﷺ علاوه بر رساندن کتاب الله و تبلیغ دین مبین اسلام با گفتار و کردار نیک و پسندیده که همان سنت گرانبهایشان می‌باشد به بشریت عموماً و مسلمانان خصوصاً عقیده خالص و انسان بودن را و انسان زیستن و اخلاق و تربیت سالم را آموختند و ذات ذوالجلال باری تعالی ﷻ نیز ایشان را ستود که:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ [القلم: ۴]

«تو بر خوردار از خلقی بزرگ (و پسندیده) هستی».

و بر گفتار گهربارشان مهر تأیید نهاد که:

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾ [النجم: ۳]

«و از روی هوی و هوس سخن نمی گوید».

و ما را به اطاعت از ایشان عليه السلام امر نمود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ [النساء: ۵۹]

«ای مؤمنان، از الله اطاعت کنید و از رسول [او] و صاحبان امرتان [پیشوایان هم] اطاعت کنید و هر گاه در چیزی اختلاف کردید، اگر به الله و روز قیامت ایمان دارید، آن را به (حکم) الله و رسول بازگردانید. این بهتر و نیک انجام تر است».

و در پرتو این ارشادات الهی و روش قرآنی در فرق بین حق و باطل و رجوع به کتاب الله در مسایل اختلافی، جناب دکتر طه حامد الدلیمی که یکی از نویسندگان چیره دست و از جمله علمای بزرگ جهان اسلام می باشند مسأله زیارت قبر را مورد بحث و بررسی قرار داده اند که جایی برای مناقشه و بحث و جدال برای حق جویان نمی گذارد مگر کسانی که الله عز وجل بر دلهایشان مهر نهاده است و آنها سخن حق را نمی پذیرند^۱.

﴿صُمُّ بَكْمٌ عُتِيَّ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾ [البقرة: ۱۸]

«کردند، گنگند، کورند. پس آنان به راه نمی آیند»

و آنها طرف سخن ما هم نیستند بلکه مخاطبان ما کسانی اند که:

﴿الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ [الزمر: ۱۸]

«کسانی که سخن [ها] را می شنوند، آن گاه از بهترینش پیروی می کنند. اینان کسانی

اند که الله هدایتشان کرده و ایشانند خردمندان»

۱- این رساله بخشی از کتاب «المنهج القرآنی الفاصل بين أصول الحق وأصول الباطل» نوشته جناب دکتر طه

حامد الدلیمی می باشد که به شکل مستقل به عنوان «زيارة المراقدة عند الشيعة» در سایت وزین البرهان

www.alburhan.com نشر شده است.

جناب دکتر طه الدلیمی در این مختصر به بررسی زیارت قبور از دیدگاه قرآن کریم پرداخته و با دلایل قرآنی بطلان عقاید کسانی را که زیارت قبور را بالاتر از ارکان اسلام دانسته اند و صدها خرافه و بدعت دیگر را به آن چسپانده اند ثابت می سازد و اگر برادران و خواهران مسلمان خواستند بیشتر در این باره مطالعه کنند می توانند به این کتاب ها که در سایت www.aqeedeh.com نشر شده مراجعه نمایند:

خرافات وفور در زیارات قبور

تألیف: آیت الله العظمی علامه سید ابوالفضل ابن الرضا برقعی قمی

زیارت قبور بین حقیقت و خرافات

تألیف: استاد حیدر علی قلمداران قمی

زیارت از دیدگاه ائمه

تألیف: دکتر عبدالهادی حسینی

و لازم به تذکر است که کلمات و جملاتی که در داخل پرانتز () آمده اضافات مترجم می باشد که برای توضیح بیشتر مطلب بوده است.

امید است الله جلّ و علاّ این کوشش ما را چراغ راهی برای کسانی بگرداند که می خواهند از ظلمت و اوهام قبر پرستی و زیارت پرستی به جاده پر نور حق پرستی گام بردارند.

محمد عبداللطیف انصاری

abusaeedansari@gmail.com

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه مؤلف

زیارت قبور بخش کوچکی از شریعت بزرگ و وسیع اسلام می‌باشد که عملی مباح به شمار رفته و انجام دادن و یا ترک آن با هم برابر است. و اگر همراه با نیت صالح و بدور از اعمال شرک آمیز انجام گیرد عملی مستحب و نیکو می‌باشد.

زیارت قبور در روزهای نخستین قانونگذاری اسلامی ممنوع اعلام شد، تا آنکه رسول الله ﷺ وسلم با این سخن مبارک خود به آن اجازه دادند:

«كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَرُزُّوْهَا». [صحیح مسلم ۲۳۰۵]

«شما را از زیارت قبرها منع کرده بودم، اکنون آنها را زیارت نمائید».

و جالب است بدانید که در قرآن کریم ذکری از زیارت قبور نیامده است. و اگر مسلمانی از دنیا برود و قبری را زیارت نکرده باشد و یا به زیارتگاهی قدم نهاده باشد مورد بازخواست باری تعالی قرار نمی‌گیرد و در هنگام سوال و جواب از او نمی‌پرسند که چرا به زیارت قبری نرفته است.

لکن در نزد شیعه زیارت قبر جایگاه مخصوصی دارد طوریکه می‌گویند:

«اگر انسانی همه اعمال انبیاء علیهم السلام را انجام دهد و لکن قبر مخصوصی را زیارت نکرده باشد خداوند از او هیچ عمل نیک و پسندیده‌ای را نمی‌پذیرد و بر او خشم گرفته و مورد لعنت قرار می‌دهد و برایش عذاب جهنم و سرانجام بدی را مهیا می‌سازد».

این رساله کوتاه بر اساس همین وهم و گمان نوشته شده است، که در آن از روش قرآن مجید در اثبات امور مهم پیروی نموده‌ام و همچنان کوشیده‌ام تا این وهم و گمان باطل را با دلیل و برهان نقض نموده و باطل بودن آنرا هویدا سازم. و این همان راز

کوتاهی و اختصار این رساله می‌باشد، بلکه اگر بخواهید می‌توانم بیشتر از این هم اختصار دهم زیرا همین حالا نیز به این عقیده ام که این رساله با وجود اختصار باز هم خیلی طولانی است. زیرا کسی را که الله عز و جل به راه حق و قرآن هدایت نموده باشد، برای شناخت حق و باطل محتاج سخن فراوان و دلایل بی شمار نمی‌باشد زیرا عاقلان را اشارتی کافیست. و چه زیبا گفته اند که: «العلم نقطة کثرها الجاهلون» «علم مانند نقطه ای است که جاهلان آنرا افزایش داده اند».

و با این مطلب از بارگاه الله تبارک و تعالی می‌خواهم که نویسنده و خواننده و (مترجم) و کسانی که در نشر این رساله کوشش نموده اند را از اجر و ثواب بی نصیب نگرداند. آمین

دکتر / طه حامد الدلیمی

مقام و منزلت زیارت قبور در نزد شیعه

زیارت قبر در نزد شیعه با منزلت حج بیت الله که یکی از ارکان مهم دین مبین اسلام می باشد برابری می کند بلکه می توان گفت که متأسفانه زیارت قبر در نزد آنها افضل تر، واجب تر و دارای اجر و ثواب فراوانتری از حج بیت الله می باشد. زیرا معتقدند که تارک آن از دایره اسلام خارج است.

زیارت قبر جزو علامات بارز و شعار مذهب شیعه است چنانکه اگر زمانی قبرها و زیارت گاهای مشهور آنها محو و نابود شود، دیگر طایفه ای به نام شیعه وجود نخواهد داشت، زیرا ارتباط و علاقه شیعه به قبر مانند ارتباط و علاقه ماهی با آب می باشد. (زیرا عدم وجود قبر یعنی عدم وجود نوحه خوانی و زیارت و وجوهات و خلاصه بسته شدن همه درهای عوام فریبی و دروغ).

پس قبر و زیارت یکی از ضروریات اساسی مذهب شیعه می باشد که نمی توانند از آن بی نیاز باشند، به طور مثال می توانید تصور کنید که یک شیعه امامی نماز نمی خواند و یا به مسجد حاضر نمی شود و یا یکی از فرایض را ترک می کند، اما هرگز نمی توانیم تصور کنیم که شیعه ای از قبر و زیارت بدور باشد (مگر کسانی که الله جل و علا به آنها نعمت عقل و بصیرت عطاء نموده است).

شاید دیده باشید که چگونه به قبر و زیارت دلبستگی شدید دارند و شیفته آنند!! در حالیکه به نماز آنقدر دلبستگی ندارند بلکه بیشتر آنها اصلاً نماز نمی خوانند.

مقام و منزلت کربلاء و نجف و قبور ائمه

آنچه در این جا بیان می شود مختصری از مقام و منزلت کربلا و نجف و قبور ائمه است که برگرفته شده از منابع معتمد و غیر قابل انکار آنها می باشد.

کلینی (به دروغ) از ابو عبدالله «جعفر صادق علیه السلام» روایت می کند که فرموده است:

«هرگاه مؤمنی در نهر فرات غسل نموده و در روز عرفات به قبر حسین بیاید، به هرگامی که بردارد ثواب یک حج و مناسک آن را دریافت می کند»!! [فروع کافی ۵۸۰/۴]

کربلا و نجف در نزد شیعه افضلتر از کعبه معظمه می باشند، آنها نجف را نجف اشرف می نامند یعنی با منزلت ترین و شریف ترین مکان در روی زمین، یعنی اشرف تر و افضل تر از کعبه معظمه و مسجد نبوی صلی الله علیه و آله و بیت المقدس! و معتقدند که نماز در نجف افضل تر از نماز در کعبه معظمه می باشد!!

در کتاب منهاج الصالحین آیت الله خوئی که یکی از مراجع تقلید بزرگ شیعه در این عصر بود، آمده است:

«مسأله ۵۶۲: نماز خواندن در زیارتگاه های ائمه علیهم السلام مستحب است. بلکه گفته اند که افضلتر از نماز خواندن در مساجد می باشد. و روایت شده است که نماز در کنار قبر علی علیه السلام برابر با دوصد هزار (دویست هزار) (۲۰۰۰۰۰) نماز می باشد.»

خوئی در مسأله ۵۶۱ - همین کتابش در باره نماز در مسجد رسول صلی الله علیه و آله می گوید:

«نماز در مسجد نبی صلی الله علیه و آله معادل ده هزار نماز می باشد»!!! یعنی نماز در مسجد بهترین عالم، سردار اولاد آدم محمد مصطفی صلی الله علیه و آله صدونود هزار (۱۹۰۰۰۰) درجه پائینتر از نماز در کنار قبر علی علیه السلام است!!!

و محمد صادق صدر یکی دیگر از علمای شیعه در عراق به صراحت می‌گوید: روایات متعددی در باره فضیلت کربلا بر بیت الله الحرام آمده است. پس به این نتیجه می‌رسیم که قبر (علی) نیز افضلتر از مکه می‌باشد.^۱

و این شعر مشهور در کتاب التربة الحسينية صفحه ۵۶ از محمد حسین کاشف الغطاء آمده است که:

وفي حديث كربلاء والكعبة لكربلاء بان علو الرتبة

«هنگام سخن گفتن کربلاء و کعبه آشکار می‌شود که کربلاء قطعاً درجه بلندتری دارد.»

و آیت الله میرزا حسن حائری بدون هیچ تردیدی اظهار می‌کند:

«کربلاء مزار مسلمین و کعبه موحدین می‌باشد».^۲

(آیت الله سید صادق شیرازی بتاريخ ۱۳۸۵/۸/۱۶ هـ ش در بخشی از بیاناتش که در پایگاه اطلاع رسانی مؤسسه رسول اعظم در ایران نشر شد به جایگاه والای زمین کربلاء اشاره نموده، تأکید کرد: «جماعتی از أعظم علما و فقهای ما نظیر شیخ انصاری، سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد کاظم یزدی، میرزا محمد تقی شیرازی و میرزای نائینی - به پیروی از روایات گهربار اهل بیت (علیهم السلام) - در رساله‌های عملیه خود فرموده‌اند: نمازخواندن در شهر کربلاء - و نه فقط حرم مطهر سیدالشهدا یا قمر بنی هاشم (علیه السلام) - از نمازگزاردن در مسجدالحرام فضیلت بیشتری دارد».)

در جواب این مزخرفات این حدیث شریف را که ابن عباس (رضی الله عنهما) از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایت نموده نقل می‌کنیم که در روز فتح مکه فرمودند: «الله جل جلاله در روز خلق آسمانها و

۱- مسألة ۹ ص ۵ من كراسة المسائل الدينية وأجوبتها.

۲- أحكام الشريعة (۳۲/۱).

زمین این شهر را کرامت و حرمت بخشیده است و تا روز قیامت به حرمتِ الله ﷻ حرام شده است». [صحیح مسلم (۹۸۶/۲)]

و نیز ابن عباس رضی الله عنهما روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به مکه مکرمه فرموده اند: «ما أطيبك من بلد، وأحبك إليّ، ولولا أنّ قومك أخرجوني ما سكنت غيرك». [الترمذی (۳۹۲۶)]

«پاک‌تر و دوست‌داشتنی‌تر از تو نزد من شهری نیست، و اگر اهل تو (ای مکه) مرا بیرون نمی‌کردند جز تو در جایی سکونت نمی‌کردم».

از عبدالله بن عدی بن حمراء نقل شده است که: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دیدم بر (حزوره) تپه‌ها کوچک ایستاده بودند و خطاب به مکه مکرمه می‌فرمودند: «إِنَّكَ لَخيرُ أرضِ الله، وَأَحَبُّ أرضِ الله إلى الله، وَلَوْلا أَنِّي أُخْرِجْتُ مِنْكَ ما خَرَجْتُ»^۱.

«تو بهترین سرزمین الله و محبوب‌ترین سرزمین الله نزد الله ﷻ می‌باشی، و اگر مرا از تو بیرون نمی‌کردند بیرون نمی‌رفتم».

۱- أخرجه الترمذی وصححه رقم (۳۹۲۵)، والنسائی فی الکبری رقم (۴۲۳۹، ۴۲۳۸)، وابن ماجه رقم (۳۱۰۸)، والحاكم وصححه (۷۸۳، ۴۳۱).

ادعای بزرگ ولیکن بدون دلیل!

بدون شک عملی به این بزرگی و منزلت و عبادتی به این ویژگی و شرافت که طبق روایات شیعه بر دیگر عبادتها دارد، لابد در شریعت اسلامی ذکری از آن آمده است و یا به آن ترغیب شده و یا از ترک آن نهی شده باشد و یا آیاتی صریح در قرآن کریم در این باره آمده باشد. و نسبت به فضل مساجد و حج و زیارت بیت الله الحرام بیشتر به آن تأکید شده باشد. و گر نه تناقض و عدم انسجام در روش و منهج کتاب الله سبحانه و تعالی به وجود می آید که در باره آن فرموده است:

﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَدِّدًا﴾ [الزمر: ۲۳]

«الله بهترین سخن را نازل کرده است. کتابی همگون [و] مشتمل مکررات.»

اما وقتی به کتاب پاک الله ﷻ (قرآن کریم) رجوع نمائید نامی از نجف و کربلاء و قم و مشهد و (سخی) و یا زیارت فلان قبر و فلان امام و یا فلان منطقه وجود ندارد چنانکه شیعه امروز ادعا می کنند!! بلکه حتی ذکری از رفتن به زیارتگاهها و آداب و احکام و شروط آن بیان نشده است. و این بدون شک بطلان این عقائد و روایاتی را که در فضایل زیارتگاهها و قبور ائمه بیان شده است را ثابت می نماید، همچنان روشن می گردد که این، خیالات و خزعلات چیزی جز اوهام و گمانهای باطل نمی باشد.

و هنگامی که اینگونه تصورات و خرافات را با بیان زیبا و دلنشین قرآن کریم که در آن فضل زیارت کعبه مشرفه و حج بیت الله الحرام که پاکترین و معظمترین و مقدس ترین مکان در روی زمین می باشد مقایسه نماییم، زشتی و بطلان عقاید خرافی شیعه بیشتر آشکار می گردد.

حج و مکه مکرمه و مساجد در قرآن کریم

در جاهای متعددی از قرآن کریم ذکر حج بیت الله و فضائل بی شمار آن آمده است، همچنان حکم وجوب آن همراه با بیان مناسک و اعمال و شعائر آن با تفصیل در قرآن کریم ذکر شده و حتی فضیلت مکه مکرمه و کعبه معظمه و کسانی که به قصد آن حرکت نمایند و کسانی که شب و روز معتکف آن اند نیز بیان شده است. که دهها آیت مبارک قرآن کریم به آن اشاره نموده است که بطور مختصر به بعضی از آنها اشاره می‌نمائیم و هرگاه همه قرآن کریم را تلاوت نمائید آیتی و حتی کلمه‌ای از زیارتگاه و فضیلت قبر و امام و امام زاده و ذکری از نجف، قم و کربلا و مزار شریف و مشهد و غیره نشده است.

حج در قرآن کریم:

یکی از سوره‌های مبارک قرآن کریم «سوره حج» نامیده شده که متضمن آیات فراوانی در بیان احکام حج و مناسک آن می‌باشد، به این آیات مبارک توجه نمائید:

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَاتَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكَ فِي شَيْئًا وَطَهَّرَ بَيْتَیَّ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿٢٦﴾﴾ [الحج: ۲۶]

«و چنین بود که جایگاه خانه [کعبه] را برای ابراهیم [با این دعوت] معین ساختیم که: چیزی را با من شریک میاور و خانه‌ام را برای طواف کنندگان و [به عبادت] ایستادگان و رکوع [و] سجود کنندگان پاکیزه دار».

﴿وَإِذْ قَالَ النَّاسُ يَا حُجَّجٌ يَا تُؤَكُّ بِحَالٍ لَا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿٢٧﴾﴾ [الحج: ۲۷]

«و در [میان] مردم به حج اعلام کن تا پیاده و [سوار] بر هر شتر لاغری راههای فراخ و دور را طی کنند و به سوی تو آیند».

﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَةٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا أَمْرَ الْفَقِيرِ ﴿٢٨﴾﴾ [الحج: ۲۸]

«تا منافع خود را با چشم خویش ببینند و نام الله را در روزهایی معلوم بر چهارپایان حلال گوشتی که (برای قربانی) به آنان روزی داده است، یاد کنند. پس از آن بخورید و به درمانده بینوا نیز بخورانید».

﴿ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ [الحج: ۲۹]

«آن گاه باید که آلودگی [بدن] شان را بزدایند و به نذرهایشان وفا کنند و این بیت العتیق را طواف نمایند».

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْآفَاقُ إِلَّا مَا يَتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ [الحج: ۳۰]

«[حکم] این است. و هر کس که شعائر الله (وامر و نواهی او تعالی) را بزرگ شمارد، [بداند که] آن [بزرگداشت] برایش به نزد پروردگارش بهتر است و چهارپایان (بز و گوسفند و شتر و...) برایتان حلال شمرده شده‌اند مگر آنچه بر شما بیان می‌شود. (که مردارند) پس از پلیدی بتان دوری کنید و از سخن (شهادت) دروغ و افتراء بپرهیزید».

﴿حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ﴾ [الحج: ۳۱]

«حقگرا و مخلص الله باشید و هیچگونه شرکی برای الله قرار ندهید. و هر کس که به الله شرک آورد، گویی که از آسمان فرو افتاده، آن گاه مرغان [مرده خوار] او را ربوده‌اند یا باد او را به جایی دور افکنده است».

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقَوَّى الْقُلُوبِ﴾ [الحج: ۳۲]

«[حکم] این است. و هر کس شعائر الله (وامر و نواهی و فرایض) را بزرگ شمارد، آن [بزرگداشت ناشی] از تقوای دلهاست».

﴿لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحْلُوهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ [الحج: ۳۳]

«در آن [حیوانات قربانی] برایتان تا زمان معین فایده‌هایی هست. آن گاه [قربان] گاهش به بیت العتیق است».

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِنَّهُمْ إِلَهُ وَجْدٌ فَلَهُ: أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ﴾ [الحج: ۳۴]

«و برای هر امتی روش قربانی کردنی مقرر داشته‌ایم تا نام الله را بر آنچه از چهارپایان حلال گوشت که روزی‌شان کرده است، یاد کنند. معبودتان، معبود یگانه است، برای او تسلیم شوید. و به فروتنان مخلص نوید ده».

﴿الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمُ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾ [الحج: ۳۵]

«کسانی که چون الله یاد شود، دل‌هایشان ترسان گردد و [نیز] به بردبارانی که بر آنچه به آنان برسد شکیبایی پیش می‌گیرند و به نمازگزاران و [کسانی که] از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند».

﴿وَالَّذِينَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا الْقَانِعِ وَالْمَعْتَرِ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [الحج: ۳۶]

«و [قربانی کردن] شتران [درشت اندام] (و دیگر چهارپایان) را برایتان از جمله مراسم و مناسک الهی گردانیده‌ایم، در آن برایتان خیر است. پس نام الله را بر [ذبح] آن [شتران] در حالی یاد کنید که بر پا ایستاده‌اند، آن گاه چون پهلوی آن [شتران] به زمین رسد، از گوشت آن بخورید و به بینوای غیر سائل و فقیر سائل بخورانید. بدینسان آن را برایتان رام گردانیده‌ایم، باشد که سپاس گذارید».

﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ الْقَوِيُّ مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ﴾ [الحج: ۳۷]

«[هرگز] گوشت‌های آن [قربانیها] و نیز خونهایش به الله نمی‌رسد بلکه پرهیزگاریتان به او می‌رسد. بدینسان آن [قربانیها] را برایتان تسخیر کرد تا الله را به شکرانه آنکه شما را هدایت کرده است به بزرگی یاد کنید و به نیکوکاران نوید ده.»

همچنان در سوره های دیگر قرآن کریم غیر از سوره حج نیز ذکر حج و بیان احکام آن آمده است که به طور نمونه به این آیات مبارک سوره بقره اشاره می‌نمائیم:

﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ ۚ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ ۖ فَفِدْيَةٌ مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ ۚ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمِن تَمَنُّعٍ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ ۚ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ۚ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ ۚ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ۚ ذَٰلِكَ لِمَنْ لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٩٦﴾﴾ [البقرة: ۱۹۶]

«و حج و عمره را برای الله به اتمام رسانید، آن گاه اگر باز داشته شوید (بنا بر عذری)، آنچه از قربانی [کردن] میسر باشد [باید انجام پذیرد] و سرهایتان را متراشید تا آنکه قربانی به قربانگاهش برسد. پس هر آن کس از شما که بیمار و یا او را در سر ناراحتی باشد، [باید] کفاره‌ای [که عبارت است] از روزه یا صدقه یا قربانی [بدهد]. و چون ایمن شدید، هر کس که به [سبب] ادای عمره تا [زمان] حج بهره بگیرد (منظور حج تمتع است) [باید که] از قربانی آنچه میسر باشد [قربانی کند]، و هر کس که قربانی نیافت، [باید] در [وقت] حج سه روز و چون [از سفر] باز گشت، هفت روز، روزه بگیرد. این ده [روز] کامل است، این [حکم] (حج تمتع) برای کسی است که خانواده‌اش از ساکنان مسجد الحرام (شهر مکه) نباشد. و از الله بترسید و بدانید که الله دارای کیفر سختی است». و در سوره بقره می‌فرماید:

﴿الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ ۖ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ ۚ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ ۚ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ ﴿١٩٧﴾﴾ [البقرة: ۱۹۷]

«[موسم] حج ماه‌هایی معلوم [و مشخص] اند، پس هر آن کس که در [این] ماه‌ها حج بر او واجب شد (احرام بست)، [بداند که] در حج آمیزش جنسی و بدکاری و مناقشه کردن [روا] نیست، و از [کار] نیک هر آنچه را که انجام می‌دهید، الله آن را می‌داند، و توشه بگیرید (برای سفر حج)، و در حقیقت بهترین توشه تقوا (وپرهیزگاری) است. و ای خردمندان، از من بترسید».

﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْتُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ ﴿١٩٨﴾﴾ [البقرة: ۱۹۸]

«بر شما در آنکه [به موسم حج] از پروردگارتان روزی بخواهید گناهی نیست، پس چون از عرفات باز گردید در نزد مشعر الحرام، الله را یاد کنید و به شکرانه آنکه شما را هدایت کرد، یادش کنید. و به راستی پیش از آن از گمراهان بودید».

﴿ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٩٩﴾﴾ [البقرة: ۱۹۹]

«آن گاه از آنجا که مردم باز می‌گردند، باز گردید و از الله آمرزش بخواهید. به راستی الله آمرزنده مهربان است».

﴿فَإِذَا قَضَيْتُمْ مِنْسِكَكُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشْكَدَ ذِكْرًا فَمِنْ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ ﴿٢٠٠﴾﴾ [البقرة: ۲۰۰]

«پس چون مناسک [حج] خود را به جا آوردید، الله را همچون یاد کردن پدرانتان بلکه به یاد کردی [بهرتر و] بیشتر، یاد کنید. از مردمان کسانی هستند که می‌گویند: پروردگارا، به ما در دنیا [از نعمتهای خویش] بده. و او را در آخرت بهره‌ای نیست».

﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿٢٠١﴾﴾ [البقرة: ۲۰۱]

«و کسانی از آنان هستند که می‌گویند: پروردگارا، به ما در دنیا نیکی و در آخرت [هم] نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش [جهنم] ایمن بدار».

﴿أُولَٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ [البقرة: ۲۰۲]

اینان کسانی اند که از آنچه به دست آورده‌اند بهره‌ای دارند، و الله زود شمار است».

﴿وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ تُحْشَرُونَ﴾ [البقرة: ۲۰۳]

«الله را در روزهایی معین [و معلوم/ ایام التشریق] یاد کنید، پس کسی که شتاب کند در دو روز [از ایام تشریق اعمال را انجام دهد] گناهی بر او نیست و کسی که تأخیر کند [و در سه روز انجام دهد] بر او [هم] گناهی نیست. [این حکم] برای کسی است که تقوی ورزد. و از الله بترسید و بدانید که شما نزد او برانگیخته می‌شوید».

مکه مکرمه «بلد الامین» در قرآن کریم:

ذکر مکه مکرمه این شهر مقدس و قبله مؤمنین نیز در بعضی از آیات قرآن کریم آمده است:

﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْغُرَامَةَ قِبْلَةً لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [المائدة: ۹۷]

«الله کعبه را که «بیت الحرام» است و ماه حرام و قربانی [بی‌نشان] و قربانی نشاندار را مایه قوام [سامان بخشیدن امور] مردم قرار داده است. این [شرح برای آن است] تا بدانید که الله آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است می‌داند و [تا بدانید] که الله به همه چیز داناست».

﴿وَطُورِ سِينٍ﴾ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ﴿۲﴾ [التین: ۲ و ۳]

«و سوگند به طور سینا و سوگند به این شهر امین (مکه)».

﴿لَا أَقِيمُ هَذَا الْبَلَدِ﴾ وَأَنْتَ حِلُّ هَذَا الْبَلَدِ ﴿۱﴾ [البلد: ۱ و ۲]

«به این شهر (مکه مبارکه) سوگند یاد می‌کنم و تو به این شهر در خواهی آمد».

﴿إِنَّمَا أَمَرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ (۹۱)

[النمل: ۹۱]

«من تنها فرمان یافته‌ام که پروردگار این شهر (مکه) را که آن را حرمت بخشیده است، بندگی می‌کنم - و همه چیز [در تصرف] اوست - و فرمان یافته‌ام که از مسلمانان باشم».

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ﴾ (۲۵) [ابراهیم: ۲۵]

«و چون ابراهیم فرمود: پروردگارا، این سرزمین (مکه) را امن [و امان] قرار ده و مرا و فرزندانم را از آنکه بتان را بندگی کنیم، دور بدار»

بیت الله و مسجد الحرام در قرآن کریم:

بنابر مقام و منزلت عظیم بیت الله و مسجد الحرام در آیات متعددی از قرآن کریم ذکر آنها بیان شده است:

﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ [البقرة: ۱۲۵]

«و هنگامی که خانه [کعبه] را مرجع مردم و [حرم] امن قرار دادیم. و از [مقام ابراهیم] نمازگاه برگزینید. و وحی کردیم که خانه‌ام را برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع کنندگان سجده گزار پاکیزه گردانید».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا سَعْتِيرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا أَمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْإِيمَانِ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [المائدة: ۲]

«ای مؤمنان، حرمت شعائر الله و ماه حرام و قربانی [بی نشان] و قربانیهای قلاده‌دار (نشاندار) و آنان را که آهنگ بیت الحرام کرده‌اند که از پروردگارشان فضل و خشنودی می‌جویند، مشکنید. و چون احرام گشودید، [می‌توانید] شکار کنید. و دشمنی گروهی [از

آن روی] که شما را از مسجد الحرام باز داشتند، بر آنتان ندارد که از حد بگذرید. و بر نیکوکاری و پرهیزگاری با همدیگر همکاری کنید و بر گناه و ستم همکاری مکنید و از الله بترسید، بی گمان الله دارای کیفر سختی است».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَمِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٨﴾﴾ [التوبة: ۲۸]

«ای مؤمنان، جز این نیست که مشرکان پلیدند، پس نباید بعد از امسالشان به مسجد الحرام نزدیک شوند و اگر از تنگدستی بیمناکید، الله اگر بخواهد شما را از فضل خویش، بی نیاز می گرداند. بی گمان الله دانای فرزانه است».

﴿وَمَا لَهُمْ ءَلًا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أُولَآئِهِمْ إِلَّا الْمُنْفُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٤﴾﴾ [الأنفال: ۳۴]

«و چرا الله آنان را عذاب نکند حال آنکه آنان [مردم را] از مسجد الحرام باز می دارند، در حالی که سرپرست آنجا نیستند، سزاوار سرپرستی آنجا جز پرهیزگاران نیستند. ولی بیشترشان نمی دانند».

﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ﴿٢﴾﴾ [قریش: ۳]

«پس باید که پروردگار این خانه (کعبه) را پرستش کنند».

﴿سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لِنَلَّا مِنْ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ ءَايَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١﴾﴾ [الإسراء: ۱]

«پاک [و منزه] است ذاتی که شبی بنده اش را از مسجد الحرام به مسجد الاقصی ای که در پیرامونش برکت نهاده ایم، برد تا از نشانه های خود به او بنمایانیم، اوست که شنوای بیناست».

و در آیه دیگری می فرماید:

﴿قَدْ زَرَى ثَقَلَبٌ وَجْهَكَ فِي السَّمَاءِ فَلَوْلَيْسَكَ قِبْلَةٌ رَضَاهَا قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ﴾ [البقرة: ۱۴۴]

«ما گردانیدن رویت در آسمان را نیک می بینیم، اینک تو را به قبله‌ای بر می گردانیم که به آن خشنود شوی. پس رویت را به سوی مسجد الحرام برگردان و [ای مؤمنان شما نیز] هر کجا که بودید رویهایتان را به سوی آن برگردانید. و به یقین اهل کتاب می دانند که این [تغییر قبله] حق است از جانب پروردگارشان. و الله از آنچه که می کنند غافل نیست».

در سوره بقره می فرماید:

﴿وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَرَجْ قَوْلٍ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ، إِنَّمَا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَئِمَّ عَلَيَّكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۰]

«و از هر جا که بیرون آمدی روی خود را به سوی مسجد الحرام بگردان و [شما نیز ای مؤمنان] هر کجا که باشید رو به سوی آن بگردانید تا مردم را بر شما حجتی نباشد غیر از ستمکارانشان. پس از آنان مترسید و از من بترسید تا نعمتم را بر شما تمام کنم و تا که هدایت شوید».

برادران و خواهران مسلمان آنچه گذشت مختصری بود از ذکر مکه مکرمه و کعبه شریفه و مسجد الحرام در قرآن کریم و وجوب حج به سوی آن و همچنان بیان احکام و مناسک مربوط به آن، و شما می توانید به قرآن کریمی که در دسترس دارید مراجعه نمائید و من شهادت می دهم که ذکری از نجف و قم و مشهد و کربلاء و مزارشریف در آن یافت نمی شود. و نه آیتی در فضیلت زیارت قبری در آن آمده است.

نماز و مسجد در قرآن کریم:

همچنین دربارهٔ مساجد و آداب و احکام آن و فضیلت رفتن به مسجد و نماز خواندن در آن آیات فراوانی در قرآن کریم آمده است:

﴿ فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ، يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ۚ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ ۚ وَالْأَبْصَارُ ۚ ﴾ [النور: ۳۶ و ۳۷]

«درخانه‌هایی که الله اجازه داده است که رفعت یابند و نام او در آنجا یاد شود. او را صبح و شام در آنجا تسبیح می‌گویند مردانی که هیچ تجارت و خرید و فروشی آنان را از یاد الله و بر پای داشتن نماز و پرداخت زکات باز ندارد. از آن روزی می‌ترسند که دلها و چشم‌ها در آن [روز] نگران شوند».

﴿ يَبْتَغِيْ ءَادَمَ حُذُوْا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوْا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوْا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِيْنَ ۚ ﴾ [الأعراف: ۳۱]

«ای فرزندان آدم، در هر مسجد زینت خود را بگیرید و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید. بی گمان الله اسراف کنندگان را دوست ندارد».

﴿ وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ۚ ﴾ [الحج: ۱۸]

«و آنکه مساجد خاص الله است. پس کسی دیگر را با الله [به نیایش] نخوانید».

﴿ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ۚ ﴾ [الأعراف: ۲۹]

«بگو: پروردگارم به عدل و داد فرمان داده است. و [فرموده است:] به هنگام هر نماز (از هر مسجدی) رویه‌ایتان را [به سوی خانه کعبه] راست بدارید و او را در حالی که دین [و پرستش خود را] برای او خالص گردانیده‌اید، [به نیایش] بخوانید، چنان که نخستین بار شما را آفرید [باز هم] بر می‌گردید».

﴿ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ۚ ﴾ [البقرة: ۴۳]

«و نماز بر پای دارید و زکات بپردازید و با رکوع کنندگان رکوع کنید».

و می‌فرماید:

﴿لَمَسْجِدَ أُسَسِّ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ﴾ [التوبة: ۱۰۸]

«به راستی مسجدی که از روز نخست بر تقوی بنیان نهاده شده است سزاوارتر است که در آن بایستی. در آن مردانی هستند که دوست می‌دارند که پاک شوند و الله پاک شوندگان را دوست می‌دارد».

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسْجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَافِعِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [البقرة: ۱۱۴]

«و چه کسی ستمکارتر از کسی است که [مردم را] از مسجدهای الله از [بیم] آنکه نام الله در آنها یاد شود، باز دارد و در ویرانی آنها بکوشد؟ این گروه را نسزد جز این که هراسان به مساجد در آیند. آنان در دنیا خفت [و خواری] و در آخرت عذابی بزرگ [در پیش] دارند».

﴿مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسْجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حِطَّتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ﴾ [التوبة: ۱۷]

«مشرکان را نرسد که مسجدهای الله را در حالی که به زبان حال به کفر اعتراف می‌کنند، آباد سازند. اینان کارهایشان بر باد رفته است و در آتش [جهنم] آنان جاودانه‌اند».

و درباره ساختن مساجد می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾ [التوبة: ۱۸]

«فقط کسی مسجدهای الله را آباد می‌کند که به الله و روز قیامت ایمان آورده و نماز بر پای داشته و زکات بپردازد و جز از الله نترسیده باشد، پس امید می‌رود اینان از راه یافتگان باشند».

﴿وَلَا تُبْشِرُوهُمْ وَأَنْتُمْ عَنْكَفُونَ فِي الْمَسْجِدِ﴾ [البقرة: ۱۸۷]

«و در حالی که در مسجدها معتکفید با همسرانتان آمیزش مکنید».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ

كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [الجمعة: ۹]

«ای مؤمنان چون در روز جمعه برای نماز ندا داده شد، به [عبادت و] یاد الله بشتابید و خرید و فروش را رها کنید. اگر بدانید، این برایتان بهتر است».

و الله ﷻ شاهد است که در قرآن کریم ذکری از فضیلت نماز در کربلا و نجف و قبر علی ﷺ و قبور ائمه ﷺ و لو در یک آیت هم نیامده است.

نه قبری و نه زیارتگاهی در قرآن!

چنانکه ملاحظه نمودید در قرآن کریم ذکری از قبور و زیارتگاه‌ها و بارگاه‌ها و کربلا و نجف و مشهد و قم و مزارشریف و شاه دوشمشیره و تمیم انصار در کابل و غیره... نیامده است و همچنین اشاره‌ای به ساختن بارگاه و گنبد و زیارت و سفر به زیارتگاه‌ها و مقابر نشده است، پس هرگاه با قلب سالم و عقل و بینش صحیح به فضایل مکه معظمه و کعبه مشرفه و مساجد در قرآن کریم، و از جانب دیگر آن همه روایات جعلی و ساختگی شیعه را در فضایل مقابر ائمه و زیارتگاه‌ها و شهرهای کربلا و نجف و قم و غیره که در قرآن کریم ذکری از آنها نیست بنگریم برای هر عاقلی دروغ و جعلی بودن آن روایات ساختگی شیعه و بطلان فتاوی باطل علمای آنها آشکار می‌شود که در فضیلت فلان زیارت و امام و امامزاده ساخته و بافته اند. و اگر اینها راست می‌گویند پس العیاذ بالله پروردگار عز و جل فراموش نموده که آنرا در کتاب کریم خود ذکر نماید؟!!

﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [الشوری: ۲۶]

«آیا آنان شریکانی (غیر از الله) دارند که برای ایشان دینی را پدید آورده اند که الله به آن اجازه نداده است، و اگر وعده فیصله بخش [مهلت] نمی‌بود. بین آنان داوری می‌شد و بی‌گمان ستمکاران عذابی دردناک [در پیش] دارند».

پیروی از متشابه

و اگر با یکی از علمای شیعه و کسانی که شیفته قبر و زیارت اند، در مورد این زیارتگاه‌ها و بناهای مجلل که بر روی قبرها ساخته اند و مظاهر شرک و بت پرستی که در کنار آنها انجام می‌گیرد به بحث بنشینید و از آنها دلیل و برهان از قرآن طلب نمائید غیر از این آیه دلیل دیگری ندارند:

﴿قَالَ الَّذِينَ عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَسَتْ خَذَتْ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا﴾ [الكهف: ۲۱]

«و گفتند کسانی که بر کارشان غلبه یافتند: بر آنها سجده گاهی می‌سازیم».

(و غیر از این دلیل متشابه که به سبب کثری و مرضی که در قلبهایشان دارند و به اطاعت از هوی و هوس از آن پیروی نموده اند دلیل و حجت دیگری ندارند درحالیکه برای اثبات این مدعای خود باید دلیل صریح از قرآن و سنت داشته باشند که الحمدلله ندارند.

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَّهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ﴾ [آل عمران: ۷].

«پس اما آنان که در دل کثری دارند برای فتنه جویی و طلب تأویلش از آنچه از آن که متشابه است، پیروی می‌کنند».

بررسی دلایل آنها از آیه ۲۱ سوره کهف

این آیت را علمای شیعه به عنوان بزرگترین دلیل در اثبات جواز زیارت قبرها و ساختن گنبد و بارگاه مطرح می‌نمایند که ما اکنون به بحث و بررسی این آیت می‌پردازیم. پس از دقت در معانی این آیه کریمه برای عاقلان هویدا می‌گردد که حتی ظاهر آیت ۲۱ سوره کهف نیز دلالت به غیر آنچه شیعه استدلال می‌کنند دارد، توجه فرمائید:

﴿وَكَذَلِكَ أَثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّهُ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ
بَيْنَهُمْ أَمْرُهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ
عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا ﴿٢١﴾﴾ [الكهف: ۲۱]

«و بدینسان [مردم را] به [حال] آنان آگاه ساختیم تا بدانند که وعده الله حق است و
آنکه هیچ شکی در قیامت نیست. هنگامی که [مردم درباره] کارشان منازعه می کردند. و
گفتند: بر [غار] آنان بنایی بسازید. پروردگارشان به [حال] آنان داناتر است و گفتند کسانی
که بر کارشان غلبه یافتند: بر [غار] آنها سجده گاهی می سازیم».

اولاً قضیه ساختن مسجد بر قبر آنها نظر کسانی بود که ﴿غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ﴾ «کسانی که
بر کارشان غلبه یافتند» یعنی بر قوم و امراء خود، پس آنها هرگز نمی توانند مصدر حکم و
شریعت شوند و عادتاً اینگونه انسانها مستبد و (جاهل) می باشند و از لهجه آنها استبداد و
طغیان و جهل هویدا است.... آنها گفتند: «لَنَتَّخِذَنَّ» یعنی «میسازیم» یا «می گیریم» و
این امری است به ظاهر مؤکد که باید اجراء شود و به رای دیگران توجه نشده و برای
آنها اعتباری قائل نمی باشند که اینگونه انسانها نمی توانند الگو و نمونه باشد.

(گذشته از این پیامبر اکرم ﷺ و علی ﷺ و دیگر صحابه رضی الله عنهم و تابعین و صالحین امت
نیز این آیه را می دانستند، ولی چرا چیزی که اینها می گویند از آیه استنباط نکردند؟ و
مطابق میل اینها عمل نفرمودند؟ و برای کسی ضریح و بارگاه نساختند و مردم را به
ساختن گنبد و مقبره و ضریح امر نفرمودند؟ حتی برخی از بزرگان اسلام را مخفیانه به
خاک سپردند تا مبادا قبرشان مزار شود، همچنین از تعمیر و تزیین قبور نهی می
فرموده اند.

ثانیاً در آیه لفظ «مسجد» آمده و نفرموده: «لَتَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمُ قُبَةً وَضَرِيحًا وَمَزَارًا!!» با
وجود اینکه ساختن مسجد هم در کنار قبر ناجایز است و لیکن، آیا این همه مقبره و
گنبد و بارگاه در ایران و عراق و افغانستان و پاکستان و سایر کشورها که بر قبور ائمه

و حتی فرزندان و نوادگان آنان و صالحین و طالحین ساخته شده است و تعدادی از آنها در مکانهای دورافتاده و صعب العبور قرار دارد و مردم برای زیارتشان رنج سفر را به جان می‌خرند، مسجد است یا زیارتگاه؟ یا مسجد چیز دیگری است؟ آیا ضریح و بارگاه امام رضا علیه السلام در مشهد و معصومه در قم و حسین علیه السلام در کربلا و سخی جان در مزارشریف و شاه دوشمشیره و تمیم انصاری در کابل و خواجه عبدالله انصاری در هرات و زیارت امام صاحب و پیر صاحب و بی بی صاحب و غیره.... مسجد است؟^۱.

جواب مختصر و مفید برای کسانی که به دنبال حق می‌باشند، این است که دین و احکام امت های گذشته هرگز نمی‌تواند برای مسلمانان مصدر حکم و شریعت قرار گیرد، زیرا اسلام ناسخ ادیان ما قبل خود می‌باشد و خیلی از احکامی که برای امتهای گذشته جزو دین و آیین آنها بود برای مسلمانان ممنوع گردید و یا برای آنها ممنوع بود و برای امت اسلام جایز گردید، وانگهی طوریکه گفتیم غیر از این آیت آیه دیگری در قرآن وجود ندارد که علمای شیعه به آن استدلال نمایند، و این کار آنها مانند عمل منحرفانی است که با حقه بازی و فریب مردم دین و مذهب اختراع می‌کنند و بعد از آن به سوی قرآن آمده و به دنبال متشابهات می‌گردند تا به وسیله قرآن باطل خود را به اثبات برسانند درحالیکه ما باید رای و عقل خود را در خدمت قرآن قرار دهیم نه اینکه قرآن را در خدمت رای و عقل خود قرار داده و بر اساس هوی و هوس خود آنرا تعبیر و تفسیر نمائیم. غافل از اینکه:

﴿وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ

حَكِيمٌ ﴿٤٠﴾﴾ [التوبة: ۴۰]

۱- از کتاب خرافات و فوور در زیارات قبور تالیف آیت الله العظمی علامه سید ابوالفضل ابن الرضا برقعی قمی با تصرف.

«و کلمه کافران (شرک) را فروتر قرار داد و کلمه الهی (توحید) است که برتر است و
الله پیروزمند فرزانه است».

احکام زیارت در کجای قرآن است؟

در قرآن کریم امر و نهی درباره زیارت قبور نیامده است و همچنین در قرآن کریم حتی یک آیت در باره احکام و روش و فضیلت زیارت قبور نیامده است، و این مخالف روش قرآن کریم می باشد که مسأله ای به این بزرگی که شیعه برای آن صدها روایت و فضل و حکم تراشیده، و ادعا می کنند از جمله بزرگترین عبادات می باشد، ذکری از آن به میان نیاید در حالیکه به کوچکترین مسائل شرعی در قرآن کریم توجه صورت گرفته و حتماً بعضی موضوعات متعلق به آن بیان شده که می توان به مسائلی از قبیل حیض و نفاس و غسل و خرید و فروش و غیره اشاره کرد. پس چرا زیارت قبور از این قاعده مستثنی شده است؟!!!!

چگونه الله ذوالجلال بنابر ادعای شیعه، به زیارت قبور امر نموده! ولی ذکری از احکام آن در قرآن نیامده است؟!!!

و سؤال مهم و جالب اینکه برای همه اصول عملی و یا اعتقادی شیعه مانند زیارت، خمس، متعه «صیغه» و امام و امامت، عصمت و معصومیت و بداء و رجعت ذکری در کتاب الله نیامده است و آنچه که علمای آنها به آن استدلال می کنند خالی از دو حالت نمی باشد یا وهم و گمان و تفسیر باطنی آنها است و یا تلبیس ابلیس علیه اللعنة می باشد.

وسيله و بهانه حب اهل بیت

شیعه حب اهل بیت را بهانه و ذریعه ای برای زیارت قبور آنها و انجام اعمال شرک آمیز قرار داده اند و در این شکی نیست که بسیاری از عوام شیعه به سبب حب و عاطفه ای که در دل نسبت به اهل بیت دارند به زیارت قبور آنها می روند و معتقدند که این عمل آنها تعبیری صحیح از حب آنها به اهل بیت است و این عمل آنها را به الله نزدیک و نزدیک ساخته و سبب حصول خیر و برکت فراوان برای آنها می شود و اجر و پاداش عظیم نصیب آنها می گردد!!

در اینجا سؤال مهمی مطرح می شود و آن اینکه هدف از محبت اهل بیت چیست؟ آیا می خواهید که طرف مقابل نیز شما را دوست بدارند همانطور که شما آنها را دوست می دارید؟ و یا فقط هدف شما محبت یکجانبه به اهل بیت علیهم السلام می باشد؟ یا هدفی بالاتر از این هم وجود دارد و آن اینکه اهل بیت هم شما را دوست بدارند؟ و چه زیباست که محبت دوطرفه باشد و به سبب این محبت متبادل الله ذوالجلال نیز ما و شما را دوست بدارد.

بدون شک جواب هر مسلمان عاقل و مؤمن این خواهد بود که هدف اصلی ما محبت الله و سپس محبت متبادل با اهل بیت علیهم السلام می باشد چنانکه در قرآن

کریم فرموده است: ﴿يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ [المائدة: ۵۴]

«آنان را دوست می دارد و [آنان نیز] او را دوست می دارند».

و محبت ذات اقدس الهی وقتی حاصل می شود که دیگران را نیز فقط به خاطر او تعالی دوست بداریم و ثانیاً محبت ما نسبت به غیر الله مقید به شریعتی باشد که بر رسول الله نازل گردیده است و هر محبتی که بر خواسته از عواطف و احساسات و بدون

در نظر گرفتن رضای باری تعالی باشد پوچ و بی معنی بوده و مورد قبول درگاه حق نمی‌گردد.

نخستین نشانه اینگونه محبت های احمقانه و جاهلانه خارج بودن و خارج شدن از قیود شریعت و احکام الهی می‌باشد. و به جرأت می‌توان گفت که اینگونه محبت ها، عاطفی و بدور از حقیقت است و این در حالتی است که شخص، کسی را به خاطر حاجتی که در نفس خود احساس می‌کند و به خاطر هوای و هوسش دوست می‌دارد، مانند نصارا (مسیحی ها) که ادعای دوستی سیدنا عیسی علیه السلام را می‌کنند ولی در حقیقت آنها نفس خود را می‌پرستند و دوست می‌دارند زیرا از هوی و هوس خود پیروی می‌کنند، مگر همین نصارا (مسیحیان) نبودند که از پیامبر بزرگ الهی عیسی علیه السلام که رسول و بنده الله جل جلاله می‌باشد، خدای ساختگی درست کردند و گاهی هم به او نسبت پسر خدا را دادند!! ﴿سُبْحَنَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ﴾ «او تعالی پاک و از آنچه وصف می‌کنند، بسی برتر است».

و در همه این اعمال کفری، آیا از انجیل و عیسی علیه السلام پیروی نمودند؟ یا از شیطان و هوای نفس خودشان؟ چنانکه الله جل جلاله می‌فرماید:

﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَٰهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَغَشَّىٰ عَنَّا فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾ [الحاثیة: ۲۳]

«آیا دیده‌ای کسی را که خواسته [های نفسانی] اش را معبود خود گرفت و الله با وجود دانش او را گمراه ساخته و بر گوش و دل او مهر نهاد و بر دیده‌اش پرده قرار داد؟ پس چه کسی پس از الله او را هدایت کند؟ آیا پند نمی‌گیرید؟».

بهمین دلیل کسانی که از هوی و هوس پیروی می‌نمایند مقید به پیروی الله جل جلاله و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نیستند و از شریعت الهی و سنت نبوی فرمانبرداری نمی‌کنند و خود را مقید به قوانین شریعت نمی‌دانند ولو که در آن رضایت باری تعالی باشد. و این نکته همان

سر عدم قبولی اینگونه محبت ها می باشد. زیرا الله ﷻ بیان می دارد که آنها در ادعای خود دروغ گفته اند و اگر در آنچه می گویند صادق می بودند از الله و رسول وی پیروی می کردند و خود را مقید به شریعت اسلام می دانستند، شریعتی که توسط کتاب الله و سنت رسول الله ﷺ برای مسلمانان وضع شده است.

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [آل عمران: ۳۱]
 «بگو: اگر الله را دوست می دارید، از من پیروی کنید تا الله شما را دوست بدارد و گناهان شما را برایتان بیامزد و الله آمرزنده مهربان است».

﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ﴾ [آل عمران: ۳۱]
 «بگو: از الله و رسول [او] فرمان برید. و اگر روی گردانند [بدانند که] الله کافران را دوست ندارد».

پس سخن کوتاه اینکه هر انسانی که ادعای محبت الله ﷻ و رسول ﷺ و اهل بیت و صحابه ﷺ را نماید و سپس از آنها پیروی نکند در گفتار خود دروغگو می باشد و تا هنگامی که خود را مطابق دستورات الهی آماده نسازد، در حبی که ادعا نموده صادق نیست زیرا شرط این است که: ﴿فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾ «از من پیروی کنید تا الله شما را دوست بدارد».

پس در محبت پیروی شرط اساسی و اهم می باشد.

نفس پرستی (خود پرستی)

در مبحث قبلی گفتیم که، کسانی که امروز با انجام اعمال خلاف شرع ادعای محبت اهل بیت علیهم السلام می کنند در حقیقت الله جل جلاله و رسولش صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام را دوست ندارند بلکه نفس خود را دوست دارند، زیرا آنها برای خود دین و طریقه ای بنابر هوی و هوس و خواهشات خویش آماده نموده و سپس آنها را به اهل بیت علیهم السلام نسبت داده اند، مگر الله جل جلاله در باره همین صنف از منتسبین به اسلام و اهل بدعت و کفار نفرموده است که:

﴿وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ﴾ [الزمر: ۴۵]

«و چون الله به تنهایی یاد شود، کسانی که به آخرت ایمان ندارند دلهایشان می گیرد و متنفر می شود و چون کسانی جز او یاد شوند، آن گاه است که آنان شاد و خوشحال می شوند».

(بطور مثال اگر صد مرتبه به آنها بگویید به خدا قسم و یا والله.. باور نمی کنند اما اگر یک مرتبه به علی و یا حسین و یا عباس و یا ابوالفضل و یا فاطمه علیهم السلام و یا سخی جان و یا به پیر و امامشان قسم یاد کنید فوراً می پذیرند و باور می کنند.)

این انسانهای بیچاره و بدبخت همانگونه که از محبت ذات اقدس الهی محرومند، از محبت اولیاء الله و اهل بیت علیهم السلام نیز محرومند، و هیچ پیوندی با ایشان ندارند، آیا می شود به کسی که از اهل بیت پیروی نکند و مطابعت ایشان را ننماید دوستدار اهل بیت گفت؟ چگونه می شود بین اینها و اهل بیت علیهم السلام و اولیاء الله پیوند و علاقه ایجاد کرد در حالیکه نافرمانی آنها را نموده و خلاف دستورات آنها عمل می کنند؟

الله جل جلاله می فرماید:

﴿إِنَّ أَوَّلَ الْآيَاتِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۶۸]

«نزدیکترین مردم به ابراهیم همان کسانی‌اند که از او پیروی کردند و این پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند. و الله کار ساز مؤمنان است».

(جای بسی تعجب است که در کتب معتبر شیعه ده ها روایت از رسول الله ﷺ و ائمه اهل بیت ﷺ وجود دارد که به صراحت مسلمانان را از قبرپرستی و ساختن گنبد و بارگاه و زیارتگاه‌ها منع فرموده‌اند، که ما بعضی از آنها را برای نمونه ذکر می‌نماییم: در کتاب (من لا یحضره الفقیه) و (وسائل الشیعه) از جعفر صادق رحمه الله چنین نقل شده است:

«پیامبر ﷺ از اینکه بر قبری نماز بگذارند، یا بر آن بنشینند و یا بر آن بنا و ضریح بسازند، نهی فرموده است و یهود و نصارا را لعنت نموده‌اند که قبور انبیاء را مسجد ساختند».

و در فروع الکافی ۲۲۸/۳، من لا یحضره الفقیه ۸۲۱، وسائل الشیعه ۸۸۷/۲، از سماعه ابن مهران روایت است که گفت: درباره زیارت قبور و ساختن مسجد بر آن از جعفر صادق رحمه الله پرسیدم ایشان فرمود: زیارت قبور اشکالی ندارد، اما در کنار قبر مسجد ساخته نشود.

و همچنین در (من لا یحضره الفقیه) از جعفر صادق رحمه الله: روایت است که می‌فرماید: «هر چیزی که غیر از خاک خود قبر بر روی قبر گذاشته و یا ریخته شود بر مرده سنگینی می‌کند».

و در (فروع الکافی ۲۰۲/۳، وسائل الشیعه ۸۶۴/۲) از جعفر صادق رحمه الله: روایت است که رسول الله ﷺ فرموده‌اند:

«جز خاکی که از خود قبر بیرون آورده شده خاک دیگری بر آن ریخته نشود».

در (من لا یحضره الفقیه ۱۳۵/۱، وسائل الشیعه ۸۶۸/۲) از امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه روایت است که فرموده‌اند: «کسی که قبری را باز سازی کند یا تمثالی بسازد یقیناً و بدون شک از اسلام خارج شده است».

و در (وسائل الشیعة ۸۶۹/۲، ۶۲/۳) از جعفر صادق علیه السلام روایت است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «رسول الله صلی الله علیه و آله مرا به مدینه فرستاد و فرمود: هر عکسی را دیدی نابود کن، و هر قبری را دیدی هموارش کن».

و در (الاستبصار ۲۱۷/۱، وسائل الشیعة ۸۶۹/۲) از علی بن جعفر علیه السلام روایت است که از موسی کاظم علیه السلام پرسیدم: آیا ساختن قبر و نشستن بر آن جایز است؟ فرمود:

«ساختن قبر و نشستن بر آن و گچ کردن و گل کردن آن جایز نیست».
اما کسانی که ادعای محبت اهل بیت علیهم السلام را دارند در قدم اول با کسانی مخالفت می‌کنند که آنها را امامان خود و ائمه اهل بیت می‌دانند.^۱

مسلمانان باید بدانند که محبت بدون اطاعت و پیروی هرگز راه نجات نیست زیرا مشرکین زمان رسول الله صلی الله علیه و آله نیز ادعای محبت ابراهیم علیه السلام را می‌کردند و همچنان نصارا ادعای محبت عیسی علیه السلام را داشتند و یهود نیز خود را محبین موسی و هارون علیهما السلام می‌دانستند اما وقتی که لحظه امتحان فرا رسید همه، بجز اندکی ناکام شدند و دروغشان آشکار شد زیرا در آنچه ادعا می‌کردند صادق نبودند. پس دانستیم که محبت ما مهم نیست بلکه مهم آنست که به سبب محبت صادقانه ما الله جل جلاله ما را دوست بدارد و الله جل جلاله کسی را دوست نمی‌دارد مگر آنکه ملتزم به شریعت الهی و پایبند به قوانین ربانی باشد.

۱- زیارت از دیدگاه ائمه نوشته: دکتر عبدالهادی حسینی.

بدعتی جدید

زیارت قبر به شکلی که امروزه در میان بعضی از مسلمانان و در نزد شیعیان رواج دارد کلاً خارج از شریعت محمد مصطفی ﷺ می باشد عمل آنها، پائین ترین آن بدعت و بالاترین آن شرک اکبر می باشد و آنها بین این دو معصیت سرگردانند، بین بدعت در دین و شرک به رب العالمین.

این سخن اشاره ایست کوتاه، تا برعاقلان آشکار گردد که چگونه زیارتی که امروزه بر قبور ائمه توسط شیعه انجام می گیرد خارج از شریعت محمد مصطفی ﷺ می باشد. نخست باید گفت که دین الله در زمانی که رسول الله ﷺ زنده بودند کامل شده است و هر مسلمان واقعی یقین کامل دارد که همه شعایر دینی در زمان زندگی رسول الله ﷺ به پایه کمال رسیده و چیزی از امور دین باقی نمانده مگر اینکه ایشان ﷺ آنرا به امت رساندند و الله ﷻ نیز بر این اكمال مهر تأکید نهاد که:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [المائدة: ۳]

«امروز دینتان را برای شما کامل کردم و نعمت خویش را بر شما تمام نمودم و اسلام را [به عنوان] دین برای شما پسندیدم».

پس هر عبادتی که بعد از وفات رسول الله ﷺ به وجود آید بدعت و باطل می باشد و چنانکه ذکر شد و همه می دانند این همه مراقد و زیارتگاهها و آداب زیارتی که امروز معمول است، در زمان رسول ﷺ و حتی در زمان ائمه اهل بیت ﷺ نبوده است بلکه صدها سال بعد از ایشان به وجود آمده است.

و زیارت زیارتگاهها و ساختن قبر و بارگاه برای هیچ یک از اهل بیت و صحابه ﷺ و تابعین ثابت نیست و آنچه در این مورد ساخته و بافته شده و به آنها نسبت داده شده بجز افتراء و دروغ چیزی نمی باشد. زیرا چگونه می توان باور کرد که اولاد رسول الله ﷺ و

اهل بیت مکرم ایشان که دعوتگران حق بودند، به راه غیر الله ﷻ بروند و نافرمانی رسول الله ﷺ را بکنند؟!

حقیقت آنست که نخستین کسانی که تعظیم قبور و ساختن بارگاه ها را رواج دادند آل بویه (از فارس «ایران») بودند که بعد از اشغال بغداد در قرن ۴ هجری این بدعت را پایه گذاری نمودند و بعد از آنها نیز فاطمی ها و بالآخره صفوی ها به نقش قدم آنها رفته و طقوس و راه و روش و فرهنگ مجوسیت را با کفریات تحریف شده مسیحیت که از شرق اروپا وارد کرده بودند رنگ و بوی اسلامی داده و به نام محبت اهل بیت در دل مردم عوام جا دادند.^۱

وجالب است بدانید که هر آنچه از بدعت و کفر و شرک در ادیان قبل از اسلام وجود دارد بعد از وفات پیامبرانشان روی داده است. بطور مثال اگر عیسی علیہ السلام امروز به میان نصارا برگردد و این همه کفر و شرک را در کلیساهای نصارا (مسیحی ها) ببیند، آیا باور می کند که اینها همان پیروان انجیل اند که بر او نازل شده بود؟! آیا عیسی علیہ السلام پرستش صلیب را دیده بود؟ آیا طوریکه مسیحیان ادعا می کنند به صلیب کشیده شده بود؟ هرگز!

همچنین آیا حسین علیہ السلام این همه زیارت و مرقد و بارگاه را دیده بود؟ آیا به زیارت و طواف قبری رفته بود؟ آیا در مناسبت های مختلف مانند عاشورا و صفر و شعبان و رجب و ربیع الأول به سر و صورت خود زده بود؟ آیا به خاطر شهادت پدرش علی علیہ السلام و وفات جدش رسول الله ﷺ عزاداری و سینه زنی و زنجیرزنی کرده بود؟ آیا بر سر قبر پدر و جد و مادرش گنبدی و زیارتی ساخته بود؟ آیا یاران خود را به زیارت آنها دعوت نموده بود؟ آیا پیامبر ﷺ بر سر قبر پدر و مادر و یا کاکایشان (عمویشان) سید الشهدا حمزه علیہ السلام و یا دیگر اصحابشان گنبد و قبه و زیارتی ساختند؟ آیا به طواف آنها رفتند؟

۱- دکتر شریعتی در کتاب تشیع علوی و تشیع صفوی مفصلاً در این باره نوشته است.

آیا بر سر قبر همسر مهربانشان خدیجه رضی الله عنها گنبد و بارگاهی ساخته و به زیارت آن رفتند؟ آیا قبر فرزندانسان قاسم و عبدالله و ابراهیم و رقیه و زینب و ام کلثوم را زیارتگاه و محل نذر و نیاز ساختند؟

هرگز! و هرگز! رسول الله ﷺ این اعمال را انجام نداده اند.

آیا علی و حسن و حسین و زین العابدین و محمد باقر و جعفر صادق و موسی کاظم و دیگران این اعمال را انجام داده بودند؟

پس اینهمه قبر و زیارت چرا بعد از ایشان ساخته شد؟

شاید کسی بگوید این امری است مستحب و ما اهل بیت را دوست داریم و این اعمال ما به سبب محبت به آنها است!! به آنها می‌گوییم که آیا نصاری (مسیحیان) بجز محبت عیسی علیه السلام با چیز دیگری تباه شدند؟ محبتی که با آن عیسی علیه السلام را از مقام بندگی به مقام خدائی کشاندند و از قیود عقل و شرع خارج شده به دام کفر و شرک گرفتار گشتند. اینگونه اعمال محبت نه بلکه جهالت و حماقت است.

(امام شافعی رحمه الله شعر جالبی دارد که می‌فرماید:

تعصي الإله وأنت تظهر حبه
هذا محال في القياس بدیع
لو كان حبك صادقاً لأطعته
إن المحب لمن يحب مطيع

نافرمانی الله را می‌کنی و تظاهر به محبتش داری

این کار در قیاس انسان دانا قطعاً محال است

اگر محبت تو راست می‌بود حتماً از او اطاعت می‌کردی

زیرا که محب از کسی که با او محبت دارد فرمانبرداری می‌کند)

زیارت شرعی و زیارت غیر شرعی

در شروع این رساله گفتیم که زیارت قبور در شروع اسلام ممنوع و سپس رسول الله ﷺ به آن اجازه دادند، هنگامی که فرمودند:

«نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَزُورُوهَا». [صحیح مسلم ۲۳۰۵]

«شما را از زیارت قبرها منع کرده بودم اکنون آنها را زیارت نمائید».

و در روایت دیگری آمده است: که پیامبر ﷺ فرمودند:

(إِنِّي نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَزُورُوهَا فَإِنَّ فِيهَا عِبْرَةً، وَ لَا تَقُولُوا مَا يَسْخَطُ الرَّبَّ)¹.

«من قبلاً شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم ولی الان می گویم: به زیارت قبور

بروید چون در آن عبرت است و چیزی نگویید که خشم الله را برانگیزد».

و سبب این نهی سپس اجازه دادن رسول الله ﷺ این بود که با علم و معرفتی که الله ﷻ نصیبشان کرده بود خواستند که این مرض را بکلی از جامعه نابود کرده و آنرا از قلب اصحاب کرام ﷺ نیز دور کنند.

نخست تعلقی را که نسبت به قبور در دل مردم بود را با نهی کلی دور ساختند و بعد از ریشه کن شدن همه انواع مظاهر شرکی که در جامعه قبل از اسلام وجود داشت و پاک شدن قلوب مسلمین از محبت و تعلق به قبور، دوباره با تقید و پایبندی به آداب و طرق شرعی آنرا اجازه دادند و بر دوری از شرک و بدعت و رسومات جاهلی تأکید ورزیدند.

رسول الله ﷺ به زیارت قبرستان می رفتند به مرده ها سلام می کردند و در حق آنها دعا می نمودند چنانکه در حدیث شریف آمده است:

عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّهَا قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كُلَّمَا كَانَ لَيْلَتَهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَخْرُجُ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ إِلَى الْبَقِيعِ فَيَقُولُ: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَأَتَاكُمْ مَا تُوْعَدُونَ غَدًا مُؤَجَّلُونَ وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَأَهْلِ الْبَقِيعِ الْغَرَفَةِ» [صحیح مسلم]

۱- صحیح : [الجنائز ۱۷۹]، کم (۱/۳۷۴)، حق (۴/۷۷)، حق (۴/۷۷).

«از أم المؤمنین عایشه صدیقہ رضی اللہ عنہا روایت شدہ کہ فرمودہ اند: رسول اللہ ﷺ ہر گاہ نوبت ایشان می بود در آخر شب بہ قبرستان بقیع می رفتند و می فرمودند: ای جمع مؤمنان سلام بر شما، آنچه بہ شما وعدہ دادہ شد نزد شما آمد، و تا فردایی مہلت دادہ شدہ و ما انشاء اللہ بہ شما ملحق خواهیم شد الہی اہل بقیع غرقد را بیامرز»

واین همان زیارت شرعی است کہ از رسول اللہ ﷺ ثابت شدہ است.

ما بہ زیارت قبر می رویم و بہ اہل قبرستان سلام می دہیم برایشان دعا می کنیم ولی از آنها چیزی نمی خواهیم و در آنجا بہ یاد آخرت می افیم.

پس در زیارت قبور سہ مسألہ وجود دارد:

۱- سلام بہ مردہ ہا.

۲- دعا برای آنها.

۳- بہ یاد آخرت افتادن.

و ہر آنچه غیر از اینہا انجام گیرد شرک و بدعت و خارج از شریعت محمد ﷺ می باشد.

اموری کہ انجام دادن آنها ممنوع و در شریعت اسلام حرام است مختصراً از قرار ذیل می باشد:

۱- سفر بہ قصد زیارت قبر.

۲- اعتقاد بہ اینکہ زیارت قبری از قبر دیگری فرق دارد و برای فلان قبری فضیلت خاصی است.

۳- گنبد و بارگاہ ساختن بر قبور.

۴- بہ دعا خواستن مردہ و گریہ و زاری نزد آنها.

۵- استغاثہ و نذر کردن برای آنها.

۶- طواف بہ گرد قبر.

۷- نماز خواندن بر قبرها و یا در کنار قبرها.

۸- خواندن زیارتنامه

۹- بستن نخ و یا پارچه ای بر قبر و یا پنجره های زیارت

۱۰- بوسیدن در و دیوار قبر و لمس نمودن آنها و دیگر خزعبلات و خرافاتی که ذکر آن این رساله را طولانی میکند، همه بدعت و شرک اکبر به حساب می رود که از شر آن به الله عَلَّاهُ پناه می بریم.

(الله عَلَّاهُ می فرماید:

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ أَتُنْتُونِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَتُنْفِرُونَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤﴾﴾ [الأحقاف: ۴]

«بگو: آیا دقت کرده اید درباره چیزی که به جز الله به فریاد می خوانید (و عبادت می کنید)؟ به من نشان دهید، چه چیزی از زمین را خلق کرده اند؟ یا اصلاً در (خلقت و گردش و چرخش) آسمانها مشارکتی داشته اند؟ کتابی پیش از این (قرآن) یا یک اثر علمی برای من بیاورید اگر راست می گوید»!

مالک، تنها او تعالی است و تمام چیزهایی که در آسمانها و زمین قرار دارند، ملک اویند و قبر و زیارت نفع و ضرری به کس نمی رسانند:

﴿وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٨٩﴾﴾ [آل عمران: ۱۸۹]

«پادشاهی آسمانها و زمین فقط از الله است و الله بر همه چیز توانا است».

او تعالی در رزق و روزی دادن شریکی ندارد، و رازق همه موجودات است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَلْقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآفَافٌ

تُؤَفَّفُونَ ﴿٢﴾﴾ [فاطر: ۳]

«ای مردم! نعمتی را که الله به شما عطا فرموده، یادآور شوید. آیا جز الله، خالق دیگری وجود دارد که شما را از آسمان و زمین روزی برساند؟ جز او الهی وجود ندارد. پس با این حال، چگونه منحرف و گمراه می شوید؟!»

غیر از او تعالی، ربّ، ولیّ و حاکم دیگری وجود ندارد:

﴿قُلْ أَغَيَّرَ اللَّهُ إِلَهًُا فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُهُ وَلَا يُطْعَمُ قُلٌّ إِنَّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [الأنعام: ۱۴]

«بگو! آیا غیر از الله را سرپرست و یاور خود برگیرم، در حالی که او آفریننده آسمانها و زمین است و او رزق می دهد و رزق داده نمی شود بگو به من امر کرده شده است که نخستین مسلمان باشم و فرموده شد به من که نباش از جمله مشرکین».

﴿إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [النحل: ۷۴]

«الله می داند و شما نمی دانید».

تنها اوست که می میراند و زنده می گرداند و قبر و زیارت دخالتی در آن ندارند:

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكَ مِمَّنْ شَيْءٌ سُبْحَنَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [الروم: ۴۰]

«الله ذاتی است که شما را آفریده، سپس به شما روزی بخشیده است. بعد شما را می میراند و سپس دوباره زندهتان می گرداند. آیا در میان شرکاء و معبودانتان کسی هست که چیزی از این کارها را انجام دهد؟ الله دورتر و برتر از این است که برایش شریک قائل شوند».

هیچ کس جز الله جلّ، دعاها و فریادها را نمی شنود و اجابت نمی کند حتی امام و ولی:

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ اللَّهُ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ﴾ [النمل: ۶۲]

«نه بلکه می پرسیم کیست که به فریاد مضطرب و درمانده می رسد و بلا و گرفتاری را برطرف می کند، هر گاه او را به کمک بطلبد، و شما (انسانها) را جانشین در زمین می سازد؟ آیا معبود دیگری با الله است؟ واقعاً شما بسیار کم پند می گیرید»!

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَطْلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ﴾ [لقمان: ۳۰]

«این بدین خاطر است که فقط الله حق است و هر آنچه که غیر از او می خوانند، باطل هستند و تنها الله بلند مرتبه و بزرگوار است».

پناه دهنده فقط الله است نه قبر و زیارت:

﴿قُلْ مَنْ يَدْعُو مَلَكَوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُحْيِيهِ وَلَا يُجَاوِزُ عَلَيْهِ إِلَّا كُنتُمْ تَعْمُونَ﴾ [المؤمنون: ۸۸ و ۸۹]

«بگو: چه کسی پادشاهی همه چیز را در دست دارد و او (به همه) پناه دهد و کسی را (هم نمی توان) از (عذاب) او پناه داد، اگر فهمیده و آگاهید؟ خواهند گفت: فقط از آن الله است پس چگونه فریب می خورید و سحر می شوید و دستخوش افسون شیطان می گردید».

اما با وجود این همه دلایل روشن و آشکار از قرآن کریم و سنت رسول اکرم ﷺ باز هم عده ای به سوی قبر پرستی و طلب کمک نمودن از مرده ها و زیارتگاه ها مشغولند نه دلیل و برهان را قبول می کنند و نه گوش شنوایی برای شنیدن سخن حق دارند جالب است بدانید که رسول الله ﷺ پیشینی نموده بودند که عده ای از این امت گمراه شده، از شیطان پیروی نموده بتها را خواهند پرستید. چنانکه دیدیم بسیاری از تازه مسلمانها بعد از وفات رسول الله ﷺ مرتد شدند و به عبادت شیطان روی آوردند. و عبادت شیطان یعنی حرف شنوی از او و روی گردانی از دین الله ﷻ، چنانکه می فرماید:

﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَبْنَىءَ آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ [یس: ۶۰]

«آیا حکم نفرستاده بودیم بسوی شما ای اولاد آدم که مپرستید شیطان را که وی دشمن آشکار شماست».

پیروی از شیطان و از دستوراتش یعنی، شرک ورزیدن به الله ﷻ و ترک ایمان و ارتکاب گناه که اینها همه جزو عبادت شیطان محسوب می‌شوند.)

پس به این نتیجه می‌رسیم که زیارت قبور که امروزه بر اساس مذهب شیعه و دیگر فرقه‌ها و افراد گمراه انجام می‌گیرد باطل آشکار و بدعتی گمراه‌کننده می‌باشد زیرا هیچگونه اصلی در شریعت و حتی در اصول معتقدات مذهب خودشان هم ندارد و همچنین در قرآن کریم و سنت نبوی ﷺ نیز یافت نمی‌شود.

در پایان دعا می‌کنیم که:

بارالها! امت اسلامی ما را از تمام موانع توحید دور بگردان و اطاعت و محبت و ایمان کامل به الله ﷻ و پیروی و محبت رسول اکرم ﷺ و اهل بیت و صحابه کرام ﷺ را نصیبمان نما، و دل‌هایمان را از تمام کدورت‌ها و شرک و بدعتها و بغض‌ها و عداوت‌ها و زنگارهایی که چه بسا مانع رسیدن به الله ﷻ گردیده پاک گردان، و امت اسلامی را بوسیله پیروی از قرآن کریم و سنت رسول الله ﷺ امتی قوی و توانا و با عزت بگردان بارالها! .

﴿رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أُنزِلَتْ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾. [آل عمران: ۵۳]

«پروردگارا ایمان آوردیم به آنچه فرو فرستاده‌ای و از فرستاده (تو) تبعیت ورزیدیم پس ما را با گواهان (بر تبلیغ رسول) بنویس.»

﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَنَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ (۱۱۱) ﴿رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلُ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ (۱۱۲) ﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ﴾ (۱۱۳) ﴿رَبَّنَا وَءَاثِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾ [آل عمران: ۱۹۱ تا ۱۹۴]

«پروردگارا این جهان را به باطل خلق نفرمودی تو منزهی پس ما را از عذاب آتش حفظ فرما. پروردگارا محققا کسی را که داخل آتش کنی خوارش کرده‌ای و برای

ستمگران یاورانی نیست. پروردگارا ما شنیدیم که نداکننده‌ای به سوی ایمان ندا می‌کرد که به پروردگارتان ایمان آورید و ما ایمان آوردیم، پروردگارا برای ما گناهان ما را بیامرز و بدی‌های ما را جبران نما و ما را با نیکان بمیران. پروردگارا آنچه به ما وعده دادی بر پیمبرانت ما را عطا فرما و روز قیامت ما را خوار مکن به راستی که تو وعده را تخلف نمی‌کنی». آمین.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العلمین وصلى الله على سيدنا وحبيبنا محمد وعلى آله
وصحبه وسلم.

منابع

قرآن کریم

تفسیر انوار القرآن (استاد عبدالرؤف مخلص)

تفسیر نور (استاد خرم دل)

کتب حدیث اهل سنت

المنهج القرآنی الفاصل بین أصول الحق وأصول الباطل (دکتر طه حامد الدلیمی)

کتب حدیث شیعه

سایت البرهان www.alburhan.com

خرافات وفور در زیارات قبور

تألیف: آیت الله العظمی علامه سید ابوالفضل ابن الرضا برقعی قمی

زیارت از دیدگاه ائمه

تألیف: دکتر عبدالهادی حسینی